

پوتین‌های مریم



■ نویسنده: فریبا طالش‌پور
■ ناشر: سوره مهر
■ سال چاپ: ۱۳۹۱
■ تعداد صفحات: ۱۲۰

«پوتین‌های مریم» خاطرات مریم امجدی یکی از دختران خرمشهری از دوران جنگ ایران و عراق است. او در زمان جنگ پوتین به پا کرد و هرکجا که به کمکش احتیاج داشتند، حاضر بود. کتاب حاضر خاطرات زیبایی او از کودکی و بزرگسالی تا زمان جنگ و شجاعت‌های او است. او با شروع تهاجم عراق به خرمشهر، در مشاغل مختلف چون امداد رسانی و نگهداری از انبار مهمات مسجد جامع خرمشهر خدمت می‌کند.

زیباترین روزهای زندگی



■ نویسنده: سمیه شریف‌لو
■ ناشر: سوره مهر
■ سال انتشار: ۱۳۹۸
■ تعداد صفحات: ۷۱۲

«زیباترین روزهای زندگی» خاطرات سیده فوزیه مدیح است که روایتگر حوادث و اتفاقات دوران جنگ تحمیلی است. کتاب این گونه شروع می‌شود: «تابستان ۱۳۶۱، بازسازی خرمشهر شروع شده بود و ادارات کم‌کم داشتند به آنجا برمی‌گشتند. خیلی‌ها برای کار به آنجا رفتند. پدر من هم یکی از افرادی بود که به خرمشهر رفت و در فرمانداری شهر مشغول به کار شد...»

اسیر کوچک



■ نویسنده: غلامرضا رضازاده
■ ناشر: سوره مهر
■ سال انتشار: ۱۳۹۴
■ تعداد صفحات: ۱۳۶

«اسیر کوچک» روایتی تازه از جنگ تحمیلی از زبان کوچک‌ترین اسیر آن است. این راوی همراه خانواده‌اش اسیر دشمن می‌شود. این اسیر کوچک از جابه‌جایی‌هایشان در اردوگاه‌های مختلف، از خانواده‌های اسیر دیگر و از شرایط خانواده‌ها در اردوگاه‌های دشمن صحبت می‌کند. غلامرضا رضازاده درباره اتفاقاتی چون دیدار با نمایندگان صلیب سرخ و اتفاقاتی که پس از آن می‌افتد و دیدار با شهید تندگویان توضیحاتی می‌دهد.

است. با این حال، او از پای ننشست و پیوسته کوشید تا در خدمت جبهه و جنگ یا مردم جنگ‌زده باشد. سال‌ها پیش از جنگ بود که او راوی آن روزها شد تا برای نسل‌های بعد، داستان آن روزها را به یادگار بگذارد. یادگاری که امروز از آن به‌عنوان یک اثر کلاسیک جنگی یاد می‌کنند.

سبک روایتگری «دا»، بیان تجربه‌های زنده احساسی و عاطفی یک دختر هفده‌ساله است؛ به‌خصوص آن سی‌وینج روز مقاومت در مقابل اشغال عراق که با دقت افراد و روابط بین انسان‌ها را می‌بیند و توصیف می‌کند. روایت سیده‌زها حسینی از غسالخانه، مسجد جامع خرمشهر و روایتی که از احساسات شخصیت فعال خودش توضیح می‌دهد، بیان صمیمی، پرشور و پراحساسی است که معمولاً از زبان یک دختر می‌توان دید. به همین دلیل مساله سبک بیان، در بسیاری از صفحه‌های کتاب، خصلت زن‌نگی را نشان می‌دهد.

ساختار «دا» بر محور شخصیت‌پردازی و توصیف وقایع است؛ روشی که پیش از این به‌صورت محدود و اندک در آثار دفاع مقدس به‌ویژه میان خاطرات دیده می‌شد. نویسندگان آثاری از این دست تا پیش از این به‌صورت اجمالی از وقایع گذشته می‌گفتند و تنها به ذکر آنها اکتفا می‌کردند. این تفاوت عمده «دا» با دیگر آثار هم‌سطح خود است. نویسنده چنان جزئیات را نقل می‌کند که مخاطب هنگام خواندن اثر خود را میان معرکه می‌یابد و کلمه به کلمه با راوی پیش می‌رود...

«دا» یکی از بی‌شمار روایت‌هایی است که تاکنون از جنگ ایران و عراق منتشر شده است. اما چه چیزی در این کتاب است که آن را با دیگر آثار پیش و پس از خود، متفاوت می‌کند؟ شاید اولین ویژگی اثر همان زنانه‌بودن آن است. جنگ با اینکه به قول سوتلانا الکسویچ نویسنده نوبلیست بلاروسی چهره زنانه ندارد، اما شاید یکی از چهره‌های جنگ ایران و عراق، زنان در جنگ بودند، یکی از این زنان فداکار سیده زها حسینی راوی کتاب «دا» است که در آن زمان هفده سال داشت. از همین منظر شاید بتوان گفت «دا» مهم‌ترین و تأثیرگذارترین کتاب در زمینه خاطره‌نگاری جنگ هشت ساله ایران و عراق باشد؛ خاطراتی که در دو شهر بصره و خرمشهر می‌گذرد و روزهای محاصره خرمشهر توسط نیروهای عراقی محور مرکزی آن را تشکیل می‌دهد.

«دا» شامل سه قسمت است: قسمت نخست سال‌های ابتدایی زندگی حسینی در عراق و مهاجرت اجباری خانواده او تحت فشار رژیم بعث را روایت می‌کند. قسمت دوم به شرح فعالیت‌های حسینی در جریان جنگ ایران و عراق پرداخته است. قسمت سوم کتاب هم در مورد زندگی شخصی حسینی و ماجرای ازدواج او است.

«دا» در سال ۱۳۸۷ منتشر شد و تا به امروز بیش از دویست‌بار تجدید چاپ شده است و به یکی از پرفروش‌ترین آثار تاریخ نشر ایران تبدیل شده است. کتاب «دا» برگزیده جوایزی چون دومین جایزه ادبی جلال آل احمد، سیزدهمین جایزه کتاب سال دفاع مقدس، سال ۱۳۸۸، جشنواره شهید غنی‌پور و نخستین دوره جشنواره لوح و قلم شد. همچنین به زبان‌های دیگر از جمله انگلیسی و ترکی و عربی نیز ترجمه شده است. پال اسپراکمن مترجم انگلیسی درباره آن می‌گوید: «با خواندن این کتاب به تفاوت‌های جنگ ایران و عراق با دیگر جنگ‌ها پی بردم. جنگ ایران، جنگ متعارف همراه با خشونت و تجاوز نیست؛ بلکه این جنگ همان‌طور که ایرانیان می‌گویند دفاع مقدس و سرشار از معنویت و ارزش است.»



دا
در سال ۱۳۸۷ منتشر شد و تا به امروز بیش از دویست‌بار تجدید چاپ شده است و به یکی از پرفروش‌ترین آثار تاریخ نشر ایران تبدیل شده است. کتاب «دا» برگزیده جوایزی چون دومین جایزه ادبی جلال آل احمد، سیزدهمین جایزه کتاب سال دفاع مقدس، کتاب سال ۱۳۸۸، جشنواره شهید غنی‌پور و نخستین دوره جشنواره لوح و قلم شد



همین باشد که وقایع جنگ برای اولین بار از زاویه دید یک دختر نوجوان روایت شده است. در این کتاب ناگفته‌هایی از جنگ بیان شده که تا پیش از آن، کسی از آن‌ها سخن نگفته بود. این کتاب نگاه‌های مختلف از گروه‌های فکری و اقشار مختلف را به خود جلب کرد، از جمله داریوش مهرجویی کارگردان پرآوازه و خالق فیلم‌های «گاو»، «هامون»، «اجاره‌نشین‌ها»، «درخت گلابی»، «پری»، «سارا» و «لیلا»، که در ستایش آن گفت: «این کتاب یک تجربه غنی هنری، تاریخی، فلسفی، فکری و فرهنگی به انسان می‌دهد و تصویری درخشان از موقعیتی را به نمایش می‌گذارد که ما در آن گرفتار شدیم بدون این که گناهی کرده باشیم.» مهرجویی «دا» را کتابی بسیار گیرا و جذاب با ساختاری زیبا برشمرد و آن را یکی از آثار بسیار قوی ادبیات معاصر فارسی نامید. به‌خصوص صحنه‌پردازی‌های واقع‌گرایانه‌ای دارد که خیلی کم در سایر آثار فارسی دیده می‌شود.

همانطور که داریوش مهرجویی می‌گوید، کتاب «دا» یکی از بی‌نظیرترین کتاب‌ها با موضوع دفاع مقدس است. کتابی که بیشتر روایات و گفت‌وگوهای جنگ را به چالش می‌کشد. کتابی که روایتگر دختری جسور از شهری سی‌وشش میلیون نفره است: ایران کوچک جنگ. روایت‌های زنانه سیده زها حسینی از دفاع مقدس به همان اندازه باشکوه است که حماسه‌های مردانه در این سرزمین! بعضی روایت‌های او آنقدر حماسی‌اند که ممکن است برای برخی جوانان امروزی که زمان دفاع مقدس را تجربه نکرده‌اند، باورش سخت باشد. این روایت‌های حماسی و غیرقابل باور اما حقیقی است که او را به یکی از جسورترین زنان تاریخ معاصر تبدیل کرده است.

سیده زها حسینی که بود؟ او یک ایرانی کرد است که پدر و مادرش پیش از تولد او در عراق زندگی می‌کردند و او در سال ۱۳۴۲ در آنجا به دنیا آمد. در کودکی همراه خانواده‌اش به ایران بازگشت و پدرش در خرمشهر ساکن شد و پس از مدت‌ها سرگردانی به عنوان کارگر به استخدام شهرداری درآمد. حسینی پس از کلاس پنجم ترک تحصیل کرد. او فرزند دوم از شش فرزند خانواده بود. خانواده او، به ویژه پدرش سخت پای‌بند مذهب بود و او با چنان اعتقاداتی پرورش یافت و همراه برادر بزرگ‌ترش علی، در فعالیت دوران انقلاب و پس از آن شرکت کرد. با آغاز جنگ، زها حسینی که در آن هنگام دختری ۱۷ ساله بود، خود را در وسط ماجرا یافت. همین که اعلام کردند جسد شهدا در گورستان روی زمین مانده است، به یاری غسالان شتافت و با شهامت و مقاومت روحی کم‌نظیری در کار غسل و کفن و دفن شرکت کرد. به کارکنان گورستان غذا رساند، مردم را برای این کار بسیج کرد، امدادگری آموخت و در هر کاری که پیش می‌آمد، از امدادگری، زخم‌بندی، حمل مجروحان، تعمیر و آماده‌سازی اسلحه، پخت‌وپز و توزیع امکانات فعالیت داشت. تنها هدفش این بود که مفید باشد و به مردم خدمتی بکند. پدر و برادرش در جنگ خرمشهر شهید شدند و او با دست خود آنان را در گور نهاد. همان‌طور که خودش

هم در بخشی از کتاب می‌نویسد: یک لحظه احساس کردم بهتر است خودم پیکر بابا را توی قبر بگذارم. درحالی که صدایم از بغض می‌لرزید، ولی خودم را کنترل می‌کردم تا نشکنم. گفتم: «من خودم می‌رم توی قبر.» صدای گریه همکاران بابا بلند شد. همه آن‌ها و غسال‌ها می‌گفتند: «ما هستیم. ما این کار رو می‌کنیم.» پس از مرگ پدر و برادر، او، خواهر کوچک‌ترش را در کارها شرکت داد. اما در جریان دفاع از خرمشهر مجروح شد و ترکشی در نخاع او جای گرفت که پس از آن همیشه با اوست و ناگزیر از تحمل عوارض آن